



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران

اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ..... تهران

دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد.....

**کلید** سؤالات پایان ترم نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام (درس): .....

نام دبیر: .....

تاریخ امتحان: ..... / ..... / ۱۴۰۱

ساعت امتحان: ..... صبح / عصر

مدت امتحان: ..... دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
	<p>بسمه تعالی</p> <p>تابستان بود. امید با خانواده‌اش تازه به این محله آمده بود. امید خود را معرفی کرد و گفت : (ما تازه به این محله آمده‌ایم .امیدوارم بتوانم دوستان جدیدی در اینجا پیدا کنم .)</p> <p>باران پاییزی که از شب گذشته آغاز شده بود همچنان نرم نرمک می‌بارید. از او پرسیدم: (راستی تو کدام رشته ورزشی را بیشتر از همه دوست داری ؟) جواب دادم : (تا به حال به این موضوع فکر نکرده‌ام . فوتبال یا شاید هم بسکتبال .)</p> <p>ناگهان نوشته‌ای نظرم را جلب کرد: (به فرزندان خود شنا بیاموزید .) من مدتی به جنب و جوش بچه‌ها نگاه کردم بعضی از آنها بسیار ماهرانه شنا می‌کردند.</p> <p>آن روز صنوبر و امید با هم دوست شدند . امید صنوبر را به خانه‌اش دعوت می‌کرد اما خانه او خیلی کوچک بود. با تعجب به او گفتم : (چرا آدم‌ها این همه ظرف بلوری و سفالی را یکجا جمع کرده‌اند؟)</p> <p>فردای آن روز در صبح دلپذیر بهاری راه افتادیم. بعد از دو ساعت به دامنه کوه رسیدیم که پر از پونه‌های وحشی و صدای دلنشین چشمه‌ای در دامنه کوه بود.</p> <p>صبا گفت : (صدای هواپیما بوق اتومبیل‌ها صدای بلند تلویزیون و ضبط صوت بعضی از ماشین‌ها باعث آلودگی صوتی می‌شود .)</p> <p>برزگر به پسرش گفت : (دیگر نباید به انتظار این و آن بمانیم باید داس‌ها را تیز کنیم و فردا خودمان کشتزار را درو کنیم .)</p> <p>در کشور بزرگ ایران مردان و زنان حتی کودکان فداکار فراوانند. زندگی این انسان‌ها سرمشق و چراغ راه ماست.</p> <p>اندر آن دشت پیرمردی دید که گذشته است عمر او ز نود دانه جز در زمین می‌کاشت که به فصل بهار سبز شود</p> <p>طولی نکشید که جبرئیل فرشته بزرگ خدا به خانه حضرت محمد صلی الله آمد . بوی عطر بهشتی پیراهن در فضای خانه پخش شد و حضرت محمد صلی الله و حضرت علی علیه السلام از کار حضرت فاطمه سلام الله علیها خوشحال شدند.</p>	
۱		
۳		
۴		
۵		
۶		
۷		

	۸
	۹
	۱۰
	۱۱
	۱۲
	۱۳
	۱۴
نام و نام خانوادگی مصحح :	امضاء: